

## اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم

و به نَسْتَعِين، اِنَّه خَيْر نَاصِرٍ و مُعِين وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ و آلِهِ طَاهِرِينَ و لَعَنْتُ اللهُ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ مِنَ الْاِن  
اِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ. اَللّٰهُمَّ وَاَنْطِقْنِي بِالْهُدٰى، وَاَلْهَمْنِي التَّقْوٰى

از روایات ما استفاده می شود که متأسفانه مستمسک بعضی از مدعیان قرار گرفته؛ بعد از امام زمان علیه السلام ۱۲ وصی خواهد آمد. متأسفانه احمد بن الحسن آمده و به این روایات استدلال کرده که من اولی هستم که به عنوان زمینه ساز ظهور حضرت، ظهور کردم و بعد از امام زمان علیه السلام من وصی اول هستم و ۱۱ نفر دیگه هم می آیند. من یک ترم، تقریباً ۴ ماه در مرکز تخصصی مهدویت این بحث را مطرح کردم. ادعاها و ادله هایی که ایشان آورده، مفصل در نزد متخصصان بررسی کردم. تمام این روایات که به آن استدلال کرده، بررسی کردیم، تمام این روایات برای رجعت ائمه است. ۱۲ وصی بعد از امام زمان علیه السلام که اولین آن ها امام حسین علیه السلام است که حالا نظریات مختلف است. یکی پس از دیگری می آیند، حکومت ظاهریشان را انجام می دهند. این روایت وصایت، منظور اهل بیت علیهم السلام است و ایشان ادعا می کند و خود را اول وصی می داند. تمام ادله که ایشان آورده، در ابواب مختلف با ۱۴ مقدمه و نقد ادله ایشان، به آن پرداختیم. اگر فرصتی شد، ایام خاصی به این بحث می پردازیم. خب احمد بن الحسن شخص خاصی است که گروه معروف که اتباع احمد الحسن که در سرتاسر جهان ادعاهایی دارند، ایشان غایب است! شخصی است مجهول القلب. می گویند بوده، کشته شده یا نشده، در سایت هایش یک عده مدعیانی دارند. تئوریسین هایی هستند که افکار ایشان را پخش می کنند. حالا روحانیون و طلبه ها و قشرهای مختلف در سر تا سر جهان. ایشان مدعی است من وصی اول امام زمان علیه السلام هستم و خبر می دهم که امام زمان علیه السلام می آید و از راه های مختلف، از راه خواب و استخاره ... در عوام نفوذ کردند. در خواص هم روایات زیادی هست که باید پالایش شود. به روایات متشابهات زیادی از روایات خود ما استشهد می کنند و آن را بر ایشان تطبیق می دهند و می گویند هنوز غایب هست. صوت هایی می گذارند که صدای او هست و خیلی ها را طرف خودشان جذب کرده اند که جای بحث دارد. احادیثی که دلالت دارد بعد از امام زمان علیه السلام ۱۲ وصی می آید که ایشان به آن استدلال کرده، تمام این ها قابل مناقصه و قابل حمل بر رجعت ۱۲ امام است. تمام قابل بر حمل است. خب بگذریم. برویم سراغ بحث وصیت؛

### \* مفهوم وصایت

#### مفهوم لغوی و اصطلاحی وصایت

خوب دقت کنید؛ در مفهوم وصایت، کتب لغت را که نگاه می کنیم، می بینیم ۳ معنا برای وصایت آورده شده:  
الف) وصایت را به معنای عهدگرفتن، ب) وصایت را به معنای وصل گرفتن، ج) وصایت را به معنی عهد به وصل گرفتن. هر دو را با هم جمع کرده است.



داشت؟ همان شئون برای امیرالمؤمنین علیه السلام است. شئون سیاسی، شئون تربیتی، شئون اجتماعی، در تمام شئون، امیرالمؤمنین علیه السلام ادامه دهنده راه رسول خداست. رسول خدا صلی الله علیه و آله حکم بود. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» پیغمبر صلی الله علیه و آله هرچه می گوید، شما حق انتخاب ندارید. علی علیه السلام هم همین طور است. علی علیه السلام حکم است. علی علیه السلام مربی است، علی علیه السلام بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله معلم است.

«اعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ» مربی علی علیه السلام است، «وَيُزَكِّيهِمْ» بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله به دلیل همین حدیث منزلت و حدیث وصایت که معنایش وصل و ادامه دهنده است. «إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» علی علیه السلام به دلیل حدیث وصایت بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله معلم است. «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

این معنای وصایت است. وصل است. بگذارید یک چیزی بگویم؛ وصله ناباب به پیغمبر صلی الله علیه و آله نمی چسبد. وصایت یعنی وصله تناسب دار با پیغمبر صلی الله علیه و آله، کیست غیر اصلی که یک وصله متناسب پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد که بتواند راه پیغمبر صلی الله علیه و آله را در تمام شئون ادامه دهد؟ غیر از علی علیه السلام است؟ وصله است. در روایات خودمان هست. «وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ» یعنی او امام بعد امام است. ما وصل کردیم امامان را، به هم چسباندیم. زمین خالی از امام نیست. این وصایت است. لذا این ها نتوانستند بیاورند. می دانستند که این ها وصله نابابی برای پیغمبر صلی الله علیه و آله هستند. لذا از خلافت استفاده کردند. جانشینی اش است، حالا در جایش نشسته است. اما وصایت یعنی وصله متناسب با پیغمبر صلی الله علیه و آله وصله متناسب پیغمبر صلی الله علیه و آله، همان کسی است که قرآن در باره او می گوید: «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ»

«يَا عَلِيُّ، لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي، وَ دَمُكَ مِنْ دَمِي، وَ حَزْبُكَ حَزْبِي، وَ الْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَ دَمِكَ كَمَا خَالِطُ لَحْمِي وَ دَمِي» این وصله واقعی است. این یک معنای آن بود. برایتان خواندم. مصباح المنیر جوهری در کتاب لغت خود، زبیدی در کتاب لغت خود، طریحی در کتاب لغتش، این ها همگی به معنای وصل گرفتن بیش تر، به معنای وصل گرفتن و این درست است.

### ج) معنای سوم، عهد به وصل

این معنا را مرحوم علامه مصطفوی در کتاب لغوی خود «التحقیق فی کلمات قرآن کریم» چه تعبیری دارد. ایشان این طور تفسیر می کند؛ هر دو را گرفته، به نظر من بد نیست. عهد کرده است با علی علیه السلام که تو ادامه دهنده راه من هستی. تو متصل کار تو کار من است. ما معتقد هستیم که نیاز است به این که بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله کسانی بیایند، مثل پیغمبر صلی الله علیه و آله ادامه دهنده راه او باشند. در تبیین و توسعه و گسترش دین، لذا ما معتقد هستیم راهی که دیگران رفتند، راه ناقصی است. میان بر و نیمه کاره و ناتمام و ابر است. چون دین نیاز به تبیین دارد. لذا شاهد آن این است. بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله در هر چیزی اختلاف شد، من یک نمونه برایتان می گویم. عزیزان قدر بدانید. باید شکر کنیم، روزی چند بار الحمدلله بگوییم.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ... اگر ما هدایت بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نداشتیم، چه می شدیم؟ یک موقع در مکه دنبال این بودم یک سوژه پیدا کنم و نکته ای در بیاورم. «مَا أَكْثَرَ الْعَبْرَ وَ أَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ» زمانی که در مکه بودیم، بعد از ایام حج، دکه هایی برای پاسخ به سؤالات گذاشتند. صف می کشند و بلندگو هم گذاشتند. از دکه هم پخش می شد و من گوش می کردم. هر کس با هر مذهبی که دارد، از وهابی سؤال می پرسد. یکی سؤال کرد، من سؤالش را نفهمیدم ولی جوابش این بود: عبدالله العمر یک موقعی فلان جا بعد از حج چنین کرد، شما هم این کار را بکنید. آقا عبدالله العمر کیست؟ آیا او معصوم است؟ به روایت و به آیه استناد کنیم عبدالله العمر کیست؟ کسی یک کاری کرده، این شاهد بر استنباط شما شده؟ عبدالله العمر یک کاری کرده، حکم و جواب شما این است؟ این طور فتوا می دهند. اما ما چه می گوییم؟ قال الصادق علیه السلام: امام صادق چه فرمود؟ «حدیثی، حدیث ابی»، «حدیث

ابی، حدیث جدی»، «حدیث الجدی، حدیث حسین»، «حدیث الحسین، حدیث علی»، «حدیث علی، حدیث رسول الله» و «حدیث رسول الله، حدیث الله، عن جریریل عن الله تعالی» سلسله سند ما این است.

من یک دوره خودم برای این که با بصیرت حرف بزنم، الان شاید مرا مؤاخذه کنید اما انسان خوب است اگر نقد هم می کند، نقد جانانه ای کند. یک دوره فقه حنفی را تدریس کردم. برای چه کسانی؟ برای یک عده از علمایی که از چین آمده بودند. از اول تا آخر که چطور استنباط می کنند و استنباط ما چیست؟ تا پی به حقایق ببریم. مثلا دو نمونه برایتان عرض کنم: در فقه ما می گوید کسی که مسافر است، تا ۳۰ روز اگر برای اقامتش متحیر باشد، نمازش شکسته است و گرنه باید نمازش را کامل بخواند.

او چه می گوید؟ در فقه او می گوید: نه تا هر چند وقت یکجا مسافر و مردد بودی، باید نماز را شکسته بخوانی. چرا؟ دلیل این است که عبدالله عمر رفت آذربایجان و تا شش ماه مردد بود و نمازش را شکسته خواند! خب این عبدالله العمر کیست؟ پیغمبر و معصوم است که شما به او استدلال می کنید؟ استنباط و مدرک استنباط نیست. به این و آن می چسبند.

حالا نمونه دیگر برایتان عرض کنم. قدر بدانیم افتخار کنیم که ما، روزه شک دار نمی گیریم. پشت مان به کوه هیمالیا وصل است. بلکه پشت ما به کسی وصل است که کوه هیمالیا به وجود او ثابت است. آمده، می گوید: فقه حنفی آب چاه را پاک نمی داند؛ مگر این که کر باشد. از آن طرف می گوید فضولات گاو و گوسفند و شتر نجس است. می گوید اگر در چاه افتادی، آب چاه کم است و نجس است.

حالا استنباط می کند: اقتضا می کند که نجس باشد. لکن استحسان می گوید که پاک است. چرا؟ چون که عسر و حرج است. می خواهند مرتب آب بکشید. قیاس مثل بقیه نجاسات، نجاست در آب قلیل بریزی، نجس می شود. قیاس اقتضا می کند نجس باشد. لکن استحسان می گوید: چون در عسر و حرج می افتد، پاک است. این طور می گوید اما ما چه می گوییم؟ روایت است از **محمد بن اسماعیل**

**بن بظی از اجلا** اصحاب امام رضا علیه السلام؛ **عن الامام الرضا علیه السلام «ما البئر واسع لا یفسده شیء»** آب چاه منبع دارد. هیچ چیزی او را نجس نمی کند، مگر بو و رنگ و طمع آن. استناد از معصوم از امام رضا علیه السلام سند ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا است.

این راه این است، آن راه اوست. کدام بهتر است؟ این راه بهتر است یا آن راه؟ یا مثلا در باب حج، طواف مستحبی در چند جا؟ کلی می گوید در پنج جا طواف مستحبی استحباب ندارد. چرا؟ چون عایشه می گوید: من جز در این پنج مورد، طواف کردن را دوست ندارم! همین عایشه دوست نداشته، فتوا می دهد. این کیفیت فتوا است.

عزیز من قدر بدان! این ها افتخار دارد و باید در برابر مخالفین ببالیم که چنین الگوهایی داریم که بگوییم: که «من مثل هم و من مثلی» کیست مثل این ها؟ و کیست مثل منی که به این بزرگواران اقتدا کردم. برو بین مسیحیان چگونه بر امیرالمؤمنین علیه السلام می بالند، ای کاش مال ما بود.

ای کاش حسین علیه السلام مال ما بود، ای کاش علی علیه السلام مال ما بود. می خواهند از دست ما بگیرند، توسعه اش می دهد. می گوید علی علیه السلام مال همه است. فقط برای شما نیست، مال ما هم هست. آن وقت ما همین طور لنگ لنگان داریم بار خود را کم می کنیم و این بزرگان را از دست می دهیم. عبارت ایشان این است: «أن الأصل الواحد فی المادّه: هو عهد یایصال أمر»

می گوید: وصایت یعنی عهدی به متصل بودن امور، «امر» پس این هر دو را گرفته، هم عهد و هم وصل، این را **علامه مصطفوی** می گوید: «عهد یایصال امر» بعد می گوید: عبارت آن «و الوصی برنامج عهد یایصال و هو ما اوصی به» به سراغ مفهوم اصلاحی برویم.

**شیخ انصاری** معنای عهد را گرفته، می گوید عهد خاص؛ لکن شیخ طوسی معنای وصل را گرفته، برای شما بخوانم: شیخ انصاری در کتاب وصایا و همچنین مظفر، معنای عهد را گرفته، می گوید **وصاه توصییه ان عهد الیه. شیخ محمد مظفر** هم همین را می گوید. به معنای عهد الیه **شیخ طوسی** و همچنین **علامه حلی** می گوید **الوصییه ماخوذه من قولهم اوئا نفع الی تصل بعضهم من بعض. علامه حلی** هم

در کتاب **تذکره** اش، همین معنا را گرفته، در روایات هم هر دو آمده. لذا من معتقدم که بهترین مفهوم لغوی که بیان شده، همان معنای آقای مصطفوی است. چون در روایات به هر دو اشاره کرده، علامه حلی و شیخ طوسی معنای دوم را گرفته اند.

### مفهوم وصیت در روایات

الف) عهد خاص

**بحار** جلد ۹۰، صفحه ۱۵ ان رسول الله ﷺ حضرت می فرمایند: «فانی قد اخذت لك العهد یوم غدیر خم لانك خلیفتی و وصی و اولی الناس بالناس من بعدی». روز غدیر خم من عهد گرفتم و این عهد هم مشخص است. ای علی؛ بر تو عهد گرفتم به ولایت، به وصایت، به اولی الناس. بعدی تعبیر وصایت هم دارد. پس وصایت یعنی عهد. آدرس آن ۹۰، صفحه ۱۵  
ب) به معنای وصل خاص هم آمده، **کافی**، جلد یک، صفحه ۴۱۵، حدیث ۱۸

**عبدالله الجندق** می گوید: سئلت ابي الحسن ان قول الله عز و جل و لقد و صلنا لهم القول لعلمهم يتذكرون که در قرآن آمده «قال امام الی امام». امام یعنی وصل، متصل است. پس وصایت یعنی وصل، اگر وصایت به معنی وصل است، یعنی هیچ زمانی خالی از وصی و وصایت نبوده.